

نگارش به مثابه سلوک

جلسه ۳۹. بی‌کرانگی

نسرین براهیمی. ۲۷ مهر ۹۵

فقط بر موسیقی متمرکز شوید ... اجازه دهید تمام وجود شما را فرا گیرد ... به بدن خود بیندیشید ... هیچ گرفتگی یا مقاومتی در اندام‌های شما نباشد ... با تمام وجود به خدمت موسیقی درآیید ... اجازه ندهید هیچ مقاومت روانی یا روحی مانع واسپاری شما به موسیقی شود ...

وقتی احساس کردید هیچ مقاومتی در برابر آن ندارید ... اجازه دهید موسیقی شما را با خود ببرد ... به هر کجا که می‌خواهد ببرد ... اجازه دهید شما را به دنیا‌های ناشناخته ببرد ... به جاهایی که خوابش را هم نمی‌دیدید ... احساس کنید نه فقط مقاومتی ندارید، بلکه هیچ محدودیتی هم ندارید ... در آن واحد می‌توانید در چندین دنیا حضور پیدا کنید ... می‌توانید به میلیونها ذره‌ی ریز بدل شوید و در بی‌نهایت شناور شوید ... در بی‌نهایت به پرواز درآیید ... در بی‌نهایت ... بی‌نهایت ...

سعی کنید بی‌کرانگی را تجربه کنید ... بی‌کرانگی ... بی‌کرانگی ...

...

قلم دست بگیرید و درباره‌ی بی‌کرانگی خود، یا آن نوع بی‌کرانگی که تجربه کردید، بنویسید. احتمالاً در آغاز احساس می‌کنید کلمات گنجایش تجربه‌ی شما را ندارد. اما شما چاره‌ای ندارید که تجربه‌ی خود را با کلمات، به رغم همه‌ی محدودیت‌هایش، بیان کنید.